

آثار حجاری عهد ساسانیان

در موقعیکه قبرهای فراغنه مصر کنده و گنجهای ذیقیمت تاریخی از آثار تمدن مصر قدیم بماشاگاه عالم مدیّت امروزی گذاشته میشود؛ در هنگامیکه کوچکترین وضعیترین ملتهای متمدن، از آثار عتیقه و یادگارهای تاریخی و صنعتی خود، موزه‌خانه‌ها و نمایشگاهها ترتیب میدهند، در زمانیکه اقوام محروم از یک مدیّت اصلی تاریخی و آثار عتیقه صنعت، برای تولید حس ملیت و زنده کردن قوای روحبخش شهامت در افراد خود آثار ملل دیگر را بخود نسبت داده و بدان تفاخر میکنند و در سر آن جداها بکار میاندازند و در قرنیکه زیباترین و برجسته‌ترین آثار عتیقه ایران موزه‌خانههای لندن و پاریس و برلین و سایر مراکز فرنگ را زینت میدبخشند، در خود ایران یک موزه‌خانه که باقی‌مانده آثار اجداد ما را حفظ بکند نیست، یک هیئت دولت که این مسئله را وجهه همت خود بسازد وجود ندارد و یک فرقه یا انجمن که درین زمینه کار بکند سراغ نداریم.

قرنهای متمادی است که این آثار نیاگان و این نشانههای شکوه و فردترین ملت ایران هدف هدم و تخریب روزگار و بازیچه دست مردم بی‌حس و وحشی گردیده و هنوز هم محافظت آنها از خیال کسی نمیگذرد و هیچکس اهمیت آنها را درک نمیکند. اگر فرنگیها بعضی ازین آثار را بهر شکل که بوده بمالک خود نیاورده و حفظ نکرده بودند یقیناً تا امروز آنها نیز از میان رفته و چندین صلیحه از تاریخ تمدن ایران با آنها محو شده بود.

(۱) حاشیه صفحه پیش؛ نه از بجهت که نام خودم است بلکه بدانجهت که نام دو شخصی است که یکی دینی آورد که اگر بحقیقت آن رفتار میشد امتیاز آن بر سایر ادیان مسلم بود و دومی آن شخص غیوری است که نام مرا بر تنگ و زندگی جاوید را بر رسم باذلت ترجیح داده در راه شرف جانفشانی نمود.

متفکرین باحس، فرقه‌های سیاسی، مطبوعات جدی و جوانان باذوق و با همت ایران راست که درین زمینه بکوشند و به تشکیل هیئتهای حفظ آثار عتیقه تشویق بکنند، نمایشگاهها و سیاحت‌های عامی و تدقیقی ترتیب بدهند و رساله‌های مصور با زبان ساده و عوامفهم نشر و مجاناً توزیع بکنند تا مردم پی به اهمیت آثار اجداد خود برده از تحزیب آنها خود داری و در حفظ کردن آنها بذل وقت و مال بنمایند،

ما بتدریج بعضی ازین آثار را از روی کشفیات و تدقیقات سیاحان و شرقشناسان فرنگ بمعرض اطلاع و استفاده خوانندگان خواهیم گذاشت و درین شماره یکی از آثار برجسته شاپور را شرح میدهم
نقش شاپور اول (۲۴۲ - ۲۷۳ میلادی)

در چند فرسخی شهر کازرون در دامنه کوههاییکه در شرق صحرای کازرون تمتد میشوند در سواحل رود معروف برود شاپور بعضی نقشهای برجسته از عهد پادشاهان ساسانی بیادگار مانده که مهمترین آنها نقشهای شاپور است.

وقتیکه از جلو دامنه این کوهها چند فرسخ طی مسافه میشود یک چشمه میرسند که در نزدیکی آن یک دیوار سنگی دیده میشود. هیئت عمومی آن طرز صنعت یونانی و جزئیات آن تزینات دروازه‌های استخر را نشان میدهد.

در یک کیلومتری این چشمه یک تپه واقع است که در بالای آن آثار بعضی خرابه‌ها نمایان است. در میان این تپه و آن کوهها یک راه تنگی هست که بطرف شمال شرقی باز میشود و وقتیکه شخص اینراه را تعقیب میکند در جلو خود خرابه‌های بعضی آثار عتیقه را پیدا میکند.

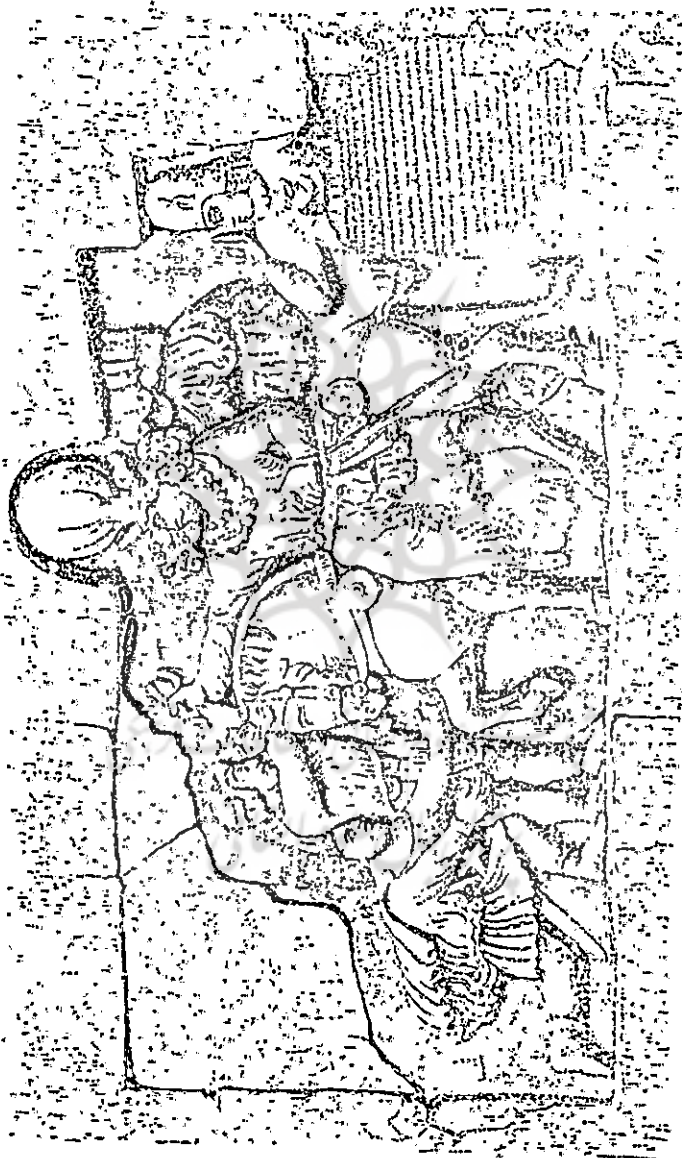
این آثار ساسانی را پیش از همه سیاحان انگلیسی کشف کرده و شرح مختصری در آن‌باب داده اند ولی بعدها دو نفر عتیقه شناس و مهندس فرانسوی پاسکال دوکوست و اوژن فلاندن (۱) در سال ۱۸۴۰ سیاحت بایران کرده و بازحات کثیری از همه آثار عتیقه ایران عکسهای مهم و نقشهای فنی برداشته و کتابی مفید در آن‌باب تألیف و چاپ کردند. این مؤلفین در باره اهمیت نقشهای شاپور در سیاحتنامه خود چنین مینویسند:

« پس از خرابدها و آثار عتیقه استخر آتاریکه بیشتر جالب دقت و شایسته تدقیق است عبارت از آثار خرابه‌های شهر قدیم شاپور میباشد برآستی در میان آثار عتیقه ایران قطع نظر از قدیمی آنها آثار شهر شاپور را باید مهمترین آنها شمرد. چندین سبب اهمیت اینها را ثابت میکند. اولاً اینها مدت مدیدی غیر مکشوف مانده بودند، دویم نام این موقع هنوز نام بانی آنها را نگاهداشته، سیم عدد نقشه‌هاییکه بالغ برش میباشد و بالاخره موضوع این نقشها و طرز حجاری آنها، این آثار را نه تنها در ایران بلکه در میان آثار عتیقه آسیا از مهمترین یادگارهای تاریخی محسوب میدارد.»

این تصویر که در اینجا چاپ شده یکی از آن نقشهای برجسته است که شاپور ساخته است، شاپور در وسط نقش سوار آسبی دیده میشود، لباس شاپور عبارت از یک قبای کوتاه بایک کمر بند تنگ و یک شلوار پهن که در زیرپاها بوسیله یک پارچه بافته مانند بسته شده است، در بالای دوشها یک بالا پوش کوتاه و کوچکی دارد که حجّار چنان نشان داده

(۱) E. Flandin et P. de Coste.

است که باد آنرا از عقب بهوا بلند کرده است. شاپور یک گردنبند مرابرید نیز از گردن خود آویخته است. در بالای تاج او چیزی شبیه به کره که



تصویر شاپور اول و امپراطور روم والریان که اسیر افتاده است

با بافته‌ها بتاج بسته شده دیده میشود و از طرف راست او یک تیرکش آویزانست. رویهم رفته هیکل شاپور بسیار نظر ربا و چیره دستی صنعتکار را بخوبی نشان میدهد.

در جلو اسب شاپور یک مرد سربرهنه زانوزده دیده میشود که قبای کوتاه با یک بالا پوشی که به پشت سرش انداخته و در روی شانه راست بایک تکمه بندشده دارد، این مرد امپراطور روم والریان است که در جنگ سال ۲۶۰ میلادی بدست شاپور اسیر افتاده و درینجا استغاثه و زاری میکند. در طرف چپ امپراطور اسیر، یک مرد دیگر دیده میشود که سرپا ایستاده است و او نیز لباس رومی در بردارد. بعقیده بعضی از علماء این مرد یکی از سرداران والریان است که تاج او را آورده بشاپور تقدیم میکند و برخی را گمان اینست که این مرد میریاد نامی است از اهالی انطاکیه که شاپور تاج امپراطوری را بدو داده او را جانشین والریان میسازد. این عقیده بیشتر نزدیک بحقیقت بنظر میآید چونکه در نقشهای دیگر واضحت دیده میشود که شاپور تاج بر سر او گذارده او را به اهالی انطاکیه معرفی میکند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رباعیات عمر خیام

- ۲ -

فصل اول: در ترجمه حال عمر خیام

آگاهان چنین پندارند که علت تخلص این حکیم به خیام آنست که وی با حرفت چادر دوزی بسر میبرد است. این عادت تلقب با صنعت تنها در موضوع خیام جاری نبوده است بلکه دیگر سر آمدان سخن نیز مانند فرید الدین عطار و محمد عصار از حرفت نام گرفته اند.